

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

95227382edefda234ea283810bae1b9ba09ff4b0e25f111f4fa210b54654e742

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.



چندگانگی روستا و بازنمایی های متفاوت هویت جنسیتی در بخش کشاورزی

(مطالعه موردی: روستاهای بخش قوشخانه، شهرستان شیروان)

رضا خسروبیگی برچلوئی^۱

مصطفی قدیمی^۲

چکیده

امروزه، تفکر غالب هویت جنسیتی در بخش کشاورزی بسیاری از روستا متمرکز بر گفتمان مردسالاری است. با این همه، هویت های متفاوت جنسیتی (نابرابری/پویایی) نیز مشهود است و در برخی از موارد زنان روستایی در کنار مردان مشغول به فعالیت هستند و در دیگر موارد به تنهایی مدیریت کشاورزی را عهده دار شده اند. مبتنی بر این استدلال که هر یک از سکونتگاه های روستایی منطق خاص خود را داشته و شبکه ای خاصی از بازیگران و نهادهای اجتماعی را در جای داده؛ به ناچار تلاش برای درک بازنمایی های متفاوت هویت جنسیتی را با موضوع چندگانگی محیط سکونتگاهی و روستابودگی همراه می سازد. بنابراین، هدف از تدوین مقاله حاضر حمایت از فرضیه بازنمایی های متفاوت هویت جنسیتی در سایه روستابودگی و چندگانگی محیط سکونتگاه روستایی بخش قوشخانه در شهرستان شیروان است. بر همین اساس، تنوع فضای روستایی مشخص و گفتمان های مختلف جنسیتی از طریق تبادل با جمعیت محلی و انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته (Q متدولوژی) تعیین گردید. نتایج بدست آمده از منطقه مورد مطالعه نشان می دهد که اگرچه ماهیت غالب جنسیتی در بخش کشاورزی گفتمان مردسالاری است اما در چارچوب روستابودگی به صورت بازنمایی های متفاوتی انعکاس یافته و تقسیم کار کشاورزی مشترک (زن و مرد در کنارهم) و در برخی نقاط تاحدودی زن سالار را بوجود آورده است.

کلید واژه: هویت جنسیتی، روستابودگی، کشاورزی، بخش قوشخانه

۱- استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی: نویسنده مسئول r.khosrobeigi@shu.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی



۱- مقدمه

گسترش نظام سرمایه داری و به تبع آن نوسازی بخش کشاورزی همراه با تغییر و تحول متناقض تقسیم کار جنسیتی و سلسله مراتب اجتماعی در فضای روستایی بود (Tsheola, 2014:315). در برخی از نقاط روستایی موجب تضعیف حقوق سنتی زنان و در برخی دیگر منجر به پویایی خانواده و ارتقای ادراک نسبت به نقش زنان در جامعه شد (UN women, 2008:2). در واقع، خروجی آن در انواع مختلفی از نتایج فضایی انعکاس یافته است و یا در مجموع به نتایج منحصر به فرد محلی ختم شده است (Meijering, et al, 2007:357). بنابراین، بسیاری از پژوهش های روستایی مرتبط با جنسیت، تحت تاثیر اشکال مختلفی از محیط های سکونتگاهی و "چندگانگی روستایی" قرار دارند (Little & Panelli, 2003:25) و از این نظر، مطالعات صورت گرفته از یک طرف به چشم اندازهای اجتماعی مختلف در یک مکان پرداخته اند و از طرفی دیگر گفتمان های اخلاقی متفاوت را -که پاسخی است به فرایند تغییرات روستایی- در جوامع محلی در نظر می گیرند (Paniagua, 2014:50). همه این روش ها به تدریج به سمت بررسی بیشتر موضوع "روستابودگی" سکونتگاه ها جهت گیری شده (Ibid, 57) که ما را به سمت بازنمایی های متفاوتی از هویت جنسیتی در بخش کشاورزی سوق می دهد و نتایج منحصر به فردی روستایی را در ارتباط با تقسیم کار اجتماعی در بخش کشاورزی به نمایش می گذارد. در سایه این استدلال که هر یک از سکونتگاه های روستایی منطق خاص خود را داشته و شبکه ای خاص از بازیگران و نهادهای اجتماعی را در جای داده (López-i-Gelats, et al, 2006:306)؛ به ناچار تلاش برای درک بازنمایی های متفاوت هویت جنسیتی را با موضوع روستابودگی همراه می سازد. در واقع، ناهمگنی سازوکارهای درونی جوامع روستایی و دلالت های مشترکات اجتماعی، شیوه زندگی و ترجیحات فرهنگی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (Tsheola, 2014:315) و بویژه ایران، بازنمایی های متفاوتی از هویت جنسیتی منعکس می کند و نتایج متناقضی از نابرابری/ پویایی زنان در عرصه فعالیت های کشاورزی را به نمایش می گذارد. بنابراین، هدف از تدوین مقاله حاضر حمایت از فرضیه بازنمایی های متفاوت هویت جنسیتی (نابرابری/پویایی) در سایه روستابودگی و چندگانگی محیط سکونتگاه روستایی است که می تواند ملاکی برای سیاست گذاری های جنسیتی و تضمینی برای موفقیت طرح های اجرایی مرتبط با این موضوع در راستای بهبود کیفیت زندگی جوامع محلی باشد. در حال حاضر، تفکر غالب هویت جنسیتی در بسیاری از روستا حول محور دیدگاه "مردسالاری" تمرکز دارد و برچسب "همسر کشاورز" برای زنان بطور گسترده در مناطق روستایی مورد استفاده قرار می گیرد که اشاره به ازدواج زن با مرد کشاورز دارد و کار زن با ازدواج یعنی فرزندآوری و مراقبت از فرزندان و رسیدگی به کارهای خانگی تعریف می شود. برخی از هویت های متفاوت جنسیتی

۱- مفهوم روستابودگی به سبک و شیوه های متفاوت زندگی در سکونتگاه های روستایی اشاره دارد.



در بخش کشاورزی سکونتگاه های روستایی نیز مشاهده شده است. افتراق در میان زنانی است که یا خود را به عنوان "دستیار مرد" در مزرعه می دانند و یا در برخی از موارد فراتر از این رفته دیدگاهی "زن محور" و فمینیستی دارند و تثبیت هویت یک گروه بالقوه ای را که تسلط جنسیت خاصی را تایید می کند، هشدار داده اند (Bryant, 1999:237). بر همین اساس، تعدد فضایی روستاها در سطح خرد مشخص و گفتمان های اخلاقی مختلف که نشان دهنده مواضع متنوع ساکنین محلی در مراحل تغییرات هویت جنسیتی است، معلوم می گردد. با استفاده از روش نیمه ساخت یافته - *Q* متدولوژی - ما نقطه نظرات و دیدگاه های متفاوت را در این مطالعه کشف و تمایزات جامعه کشاورزی در درک رابطه بین فعالیت های کشاورزی و تقسیم مسئولیت ها (Davies & Hodge, 2007:325) را جهت مدیریت هویت جنسیتی در سکونتگاه های روستایی مشخص می سازیم.

۲- چندگانگی روستابودگی و هویت متفاوت جنسیتی در بخش کشاورزی

با ظهور کشاورزی سرمایه داری به عنوان فعالیت غالب اقتصاد روستایی، تغییر چشم انداز داخلی جوامع محلی مبنی بر بهم خوردن روابط بین زارع و مالک و افزایش نقش دولت در مدیریت روستایی (Woods, 2003:310) تحولاتی را در هویت جنسیتی جوامع محلی بوجود آورد. بطورکلی، ساختار مزارع خانوادگی تغییر یافت و موجبات دخالت هر چه بیشتر زنان را در بخش کشاورزی فراهم آورد. بسیاری از عناصر کاشت و برداشت تحت تاثیر درجه ای از وظایف مشترک و موازی بین زن و مرد به تعادل رسید، حضور مداوم زن در زمین کشاورزی میسر گردید (Osterud, 1993:18) و سلسله مراتب تقسیم کار در فعالیت های کشاورزی^۱ به نوعی محو شد. با افزایش سطح مشارکت نیروی کار زن در مزرعه، شواهدی متقن از مداومت تبعیض علیه زنان نیز بودیم که در مناطق روستایی وجود داشت. نقش های جنسیتی بطور فزاینده ای در گفتمان غالب مردسالارانه باقی مانده و با وجود اینکه در روند عمومی نوسازی سهم مسئولیت زنان در مزرعه روبه افزایش بود (Symes, 1991:87)، نوآوری های تکنولوژیک بار مسئولیت مردان را در مزارع افزایش و موجبات ترک تدریجی زنان را از فعالیت های کشاورزی فراهم کرد (Behera & Behera, 2013:135). در ایران، اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ روابط سنتی ماقبل سرمایه داری^۲ را در هم شکست و راه را برای نوسازی کشاورزی و ایجاد روابط سرمایه داری در بخش

۱- در سلسله مراتب تقسیم کار زن صرفاً به امور خانه رسیدگی می کرد و در کنار کارهای خانگی مسئول نگهداری دام و طیور بود و در پاره ای از موارد نیز در کارهای مزرعه نظیر وجین کردن و برداشت محصول شرکت داشت. با تجاری شدن کشاورزی و مکانیزه شدن مزرعه در بسیاری موارد، فعالیت زنان و مردان مشترک شد و زنان همانند مردان در تمامی مراحل کاشت، برداشت، فروش محصولات و نگهداری از دام و طیورات متمرکز شدند.

۲- مردان به کارهایی می پرداختند که نیاز به قدرت بدنی داشت: آبیاری، آماده سازی زمین کشاورزی، حرس کردن درختان، به چرا بردن دام ها، تهیه علوفه دام ها، پاک سازی طویله، کارهای ساختمانی و... بخشی از کارهایی بود که توسط مردها انجام می گرفت. و از طرف دیگر



کشاورزی تسطیح کرد. گرچه اصلاحات ارضی به زنان واگذار ننمود و در عین حال بخش عظیمی از نیروی کار کشاورزی را از دریافت وسیله تولیدی که بر روی آن کار می کردند، محروم ساخت، اما در هر حال بر نقش زنان در کار کشاورزی تاثیر گذاشت. رابطه زمین داری ارباب- رعیتی تقریباً شکسته شد و دو رابطه عمده تولید دهقانی مستقل و نظام بهره برداری سرمایه داری ایجاد شد. در تولید دهقانی، آنجا که زمین مناسب بود، بنا بر تقسیم کار جنسیتی زن مجبور بود با سایر اعضای خانوار بر روی قطعه زمین خانوادگی کار کند. در زمین های دهقانی خرد، زنان در خارج از مزرعه خانوادگی مشغول به کار شدند. در نظام های بهره برداری سرمایه داری، از کار زنان به عنوان نیروی کار ارزان در مزارع استفاده می شد. پس از انقلاب اسلامی با وجود تغییر اندک در نظام بهره برداری، فرآیندهای توسعه کشاورزی بر نقش زنان تاثیر گذاشته است. در کشت محصولات کاربر، از زنان روستایی به عنوان منبع نیروی کار ارزان استفاده بیشتر می شود. اما در کشت محصولات سرمایه بر با بکارگیری ماشین آلات کشاورزی از به کارگیری نیروی کار زن کاسته شده است (لهسایی زاده، ۱۳۷۴: ۵۲-۵۳). در برخی از بهره برداری های خرد زن دوشادوش مرد در مزارع مشغول به کار شد؛ در برخی دیگر زنان خود را به عنوان کشاورز مطرح کردند و سرپرستی خانوار را عهده دار شدند. بطور کلی، برنامه های توسعه مبتنی بر نظریه نوسازی، اصولاً به ساخت جامعه، الگوی نقش ها و ماهیت خانواده مردسالارانه ای که باید فرصت های مناسب برای تغییر و نوسازی نیمی از جامعه، یعنی زنان، فراهم کند، توجه نداشت (شاپورآبادی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۳). اگرچه در مطالعات جنسیتی روستا، هژمونی مردانه، تبعیت زن از مرد و تصویری از زندگی زنان روستایی که قراردادهای سنتی نقش های را به آنها دیکته می کنند، حاکم است. با این حال، همانطور که دیدیم این تصویر متفاوت است. در برخی از مطالعات ما شاهد افزایش نقش زنان در پروژه های مختلف توسعه هستیم. بسیاری از مطالعات روستایی نیز بر دست کم گرفتن مشارکت و غفلت از نقش زنان در بخش کشاورزی اشاره کرده اند. بنابراین ما نیازمند کشف تنوع روستایی در این ارتباط هستیم و این به ما اجازه می دهد تا تفاوت در مقیاس و ابعاد ارتباطات در مکان را در مطالعات جنسیتی مناطق روستایی لحاظ کنیم (Tsheola, 2014:317). برخی از محققان چهره امروزی روستا را محصول گذار و انتقال از نظام انباشت فوردیست به پسافوردیست، از تولیدگرایی به پساتولیدگرایی و استراتژی های متنوع و چند بعدی، از صنعتی شدن به پساصنعتی شدن و اقتصاد خدماتی می دانند. در هر صورت، در دهه های اخیر- بویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد- برخی از ابهامات عمده در مورد چیستی و چگونگی روستا وجود دارد و در تغییرات روستایی بصورت همزمان هم اثرات نوسازی و ادغام در مناطق شهری و هم

رسیدگی به امور خانه با زن ها بود، جریانی از کار مداوم که تمامی نداشت: پخت و پز و درست کردن غذا، نظافت خانه، شستشوی ظروف و رخت و لباس، رسیدگی به امور طیور، دوشیدن دام ها، تبدیل شیر به فرآورده های دیگر، پختن نان، کمک کردن در میوه چینی به مردها و... در کنار نگهداری فرزندان بخشی از کارهایی بود که با کمترین امکانات انجام می گرفت و تمام وقت افراد خانه را پر می کرد (کاظم زاده، ۱۳۸۸: ۹).



گرایش‌های محلی و سنتی تجربه می‌شود. این روند نه تنها به تلاش‌های مختلف جهت مطالعه درک تغییرات روستایی منتهی می‌شود، بلکه به بررسی مفهوم روستا نیز مربوط می‌شود (López-i-Gelats, et al, 2006:306). به همین منظور، تعداد فزاینده‌ای از مطالعات روستایی بر اهمیت گفتمان "روستابودگی" جهت بازسازی هویت و نهادینه کردن واقعیت‌های جدید در محیط روستایی تاکید کرده‌اند. برای مثال، در زمینه تجدید ساختار روستایی (Hoggart and Paniagua, 2001)، تنازعات روستایی (Woods, 1998)، استراتژی‌های دولتی توسعه روستایی (Herbert-Cheshire, 2000)، بازسازی بازنمودهای قدرت و ترویج گروه‌های ذینفع (Woods, 1997; Woodward, 1999) و اقتصادسیاسی دولت-ملت و ظهور چشم‌اندازهای متفاوت روستایی (Goodwin, 1995, Marini & Mooney 2006) (Svendsen, 2004:83). در این میان، بحث جامع جهت گردهم‌آوردن اشکال مختلف اندیشه روستایی توسط کیت هالفاکری (۲۰۰۶) و با تاسی از نقطه نظرات هانری لوفور و همچنین دیوید هاروی صورت گرفته است. هاروی (۱۹۹۶) تمرکز بر شکل‌گیری مکان/موقعیت‌های خاص (روستایی) در فضای سرمایه‌داری معاصر دارد. چیزی که ثابت نسبی داشته و بوسیله جریان‌های مختلف (اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، بیولوژیکی) ایجاد می‌شود. بنابراین، برای هالفاکری فضایی روستایی به مثابه تداوم تولید سرمایه‌داری شناخته می‌شود. ضمن اینکه، برای اجتناب از بت‌وارگی روستایی درک شخصیت چندوجهی سکونتگاهی درون این مکانیسم را نیز ضروری می‌داند و اینکه چگونه همواره به چالش کشیده شده و بازسازی می‌گردد. به همین منظور، هالفاکری به سه گانه فضای لوفور^۱ گرایش دارد و آن را نه به عنوان نظریه جدید بلکه

۱- لوفور فضا را واجد سه دقیقه (در مفهوم دیالکتیکی) می‌بیند، که تمام این دقیق با هم رابطه‌ای دیالکتیکی برقرار می‌کنند. او از این جهت این سه دقیقه را در فضا کشف می‌کند. چون، نمود طبقاتی و روابط اجتماعی آن را در فضایی که آن روابط درون آن قرار گرفته‌اند، می‌بیند. این سه دقیقه عبارتند از:

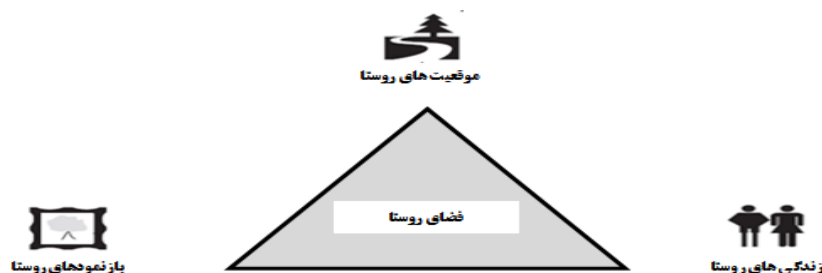
۱- **روال فضایی:** روال فضایی به عنوان نوعی فضاگونگی، تعریف می‌شوند که تولید و بازتولید و جایگاه‌ها و چیدمان‌های فضایی، ویژگی هر ریختار فضایی را در برمی‌گیرد. روال فضایی، استمرار و تا حدی انسجام را ضمانت می‌کند و دال بر یک سطح ضمانت شده از رقابت و سطح خاصی از عملکرد است. روال فضایی یک جامعه، فضای آن جامعه را تراوش می‌کند. روال‌های فضایی واقعیت زیسته را ساختار می‌دهند، که شامل مسیرها و شبکه‌ها، الگوها و میان‌کنشهایی که مردم و مکان‌ها، تصاویر و واقعیت و در نهایت کار و تفریح را به هم مرتبط می‌کند. روال‌های فضایی تولید و بازتولید، صورت معقول و اجرا، پنداشته به همان اندازه زیسته، را در بر می‌گیرد. این روال‌ها تا حدودی پیوستگی، استمرار جامعه‌گانی و شایستگی فضایی را تضمین می‌کنند.

۲- **بازنمودهای فضا:** بازنمودهای فضا یک فضای مفهومی شده یا معقول را تعریف می‌کنند. فضای دانشمندان، برنامه‌ریزان، شهرگراها، تقسیم‌کنندگان تکنوکرات در این فضا جای می‌گیرد. این فضا، نوع خاصی از فضای هنری است، که گرایشی علمی نیز در آن دیده می‌شوند. این فضای معقول همچنین به روابط تولید و به خصوص به نظم یا طراحی که آن روابط تحمیل می‌کنند، گره خورده است. چنین نظمی از طریق کنترل دانش، نمادها و کدها بر ابزار رمزگشایی روال فضایی و در نتیجه تولید دانش فضایی اعمال می‌شود. این فضا، فضای مسلط در هر جامعه (شیوه تولید) است: انبار ذخیره قدرت شناخت‌شناسانه تعبیری است که لوفور برای نقد شناخت‌شناسی مسلط بر برنامه‌ریزی فضایی استفاده می‌کند.

۳- **فضای بازنمود:** فضاهای بازنمود در عین اینکه متمایز از دو فضای دیگر است اما آن‌ها را در بر می‌گیرد. فضاهای بازنمود، سمبلیسم‌های پیچیده به وجود آورنده رمز و بدون رمز، را تن مند و متبلور می‌سازند. آن‌ها به بخش سری یا زیر زمینی زندگی اجتماعی پیوند خورده‌اند. فضای بازنمود واجد نوعی رازگرایی، ناکلامی ناهشیار و امر درک‌ناپذیر است و به این ترتیب در بسیاری از تحلیل‌ها درک بصیرت‌ها و اعماق

به منزله یک مدل پیچیده ای از فضای روستایی ارائه می دهد و بر لحاظ نمودن جنبه های مختلف و درهم پیچیده فضا به عنوان یک کل در روش شناسی تحقیقات روستایی تاکید می نماید (Heley & Jones, 2012:211). در این میان هالفاکری این سه جنبه از فضای روستایی را پیشنهاد می دهد:

- ۱- **موقعیت های روستا** که محاط در روال های فضایی متمایز از نظر فعالیت های تولید/ و یا مصرف است؛
- ۲- **بازنمودهای رسمی روستا** که بوسیله علایق نظام سرمایه داری، چرخش فرهنگی، برنامه ریزان و سیاستمداران ابراز می شود؛
- ۳- **زندگی روزمره روستا** که با سطوحی از ثبات/انعطاف ذهنی و متنوع است و مقوله های دیگر را نقض می کند (Halfacree, 2007:127).



شکل ۱. مدل کلیت ترکیبی فضای روستایی

از آغاز قرن حاضر، شاهد رشد روزافزون پژوهش درباره هویت زن و مرد در مناطق روستایی هستیم. در این ارتباط، تنوع هویت های روستایی تعیین و همچنین محدودیت های جنسیتی مربوط به شیوه زندگی خاص و خصوصیات ارتباطی زن و مرد مشخص گردیده است (Forsberg & Stenbacka, 2013:3). لیتل (۲۰۰۶)، به سه دیدگاه در مورد نقش زنان در کشاورزی در سه دوره مختلف اشاره می کند: در دوره اول (دهه ۱۹۷۰)، زنان به کارخانگی پرداخته و در پاره ای موارد به مرد در کارهای کشاورزی کمک می کرد. در دوره دوم (دهه ۱۹۸۰)، شاهد حضور بیشتر زنان در فعالیت های مزرعه و کارهایی که به اقتصاد خانوار کمک می کند، هستیم. در دوره اخیر (از سال ۱۹۹۰ به بعد)، زن به عنوان یک کارآفرین، مسئولیت اداره مزرعه را به عهده دارد و درگیر در فرایند تصمیم گیری است؛ اگرچه هنوز دیدگاهی پدرسالارانه در مزرعه حاکم است (Chiappini & De Rosa, 2011:57). در گفتمان "مردسالاری"، کشاورزی صرفاً شغلی است

موجود در این فضا می تواند راهگشا باشند. به طور دقیق در این جا فضا به همراه تمام خودسری های تمام عیار خود "زیسته" است. این فضای در پهنه تصورات و نمادهایی که با آن همراه می شوند کشیده می شود. این فضا، فضای زیست کنندگان و کاربران است. فضای زیسته، در واقع فضایی است که فارغ از اندیشه شهرسازی و برنامه ریز تجربه می شود و گاهی جایگاه مقاومت در برابر فضای معقول است. این کاربران از مردم تا دانش مندان و روانکاوان، جامعه شناسان و فلاسفه را در برمی گیرد. این فضا تحت تسلط است (قدرت مهار کننده فضای معقول در همین فضاست). بنابراین، منفعلانه تجربه می شود یا در معرض (به معنای عام کلمه) قرار می گیرد (فضایی که تصور کلامی یا غیر کلامی به دنبال تغییر و بسند کردن آن است). این فضا، فضای فیزیکی را در برمی گیرد و از ابژه های آن استفاده نمادین می کند (جوان و همکاران، ۱۳۹۲).

مردانه و زنان جایگاهی در آن ندارند. این تابعیت زنان را می‌رساند و در سایه بازتولید اجتماعی زنان روستایی را در مقام همسر قرار می‌دهد و به محیط خانه محدود می‌سازد. تفکر بیولوژیکی در این دیدگاه حاکم می‌باشد و فیزیک بدنی و قوای جسمانی زن را قادر به انجام فعالیت های کشاورزی نمی‌داند (Trauger, et al, 2008:434). در گفتمان "مزارع خانوادگی"، زن در کنار مرد کمک حالی برای انجام فعالیت های کشاورزی می‌باشد و به عنوان دستیار مرد در زمین محسوب می‌شود. مزارع خانوادگی ساختاری پدرسالارانه دارد و براساس تقسیم کار جنسیتی، زن ضمن رسیدگی به امور خانه می‌تواند در کار کشاورزی مفید واقع شود هرچند نوع کارهایی که انجام می‌دهد بطور قابل توجهی متفاوت با کار مرد در مزرعه است (Brandth, 2002:184). گفتمان "سنت زدایی شده و کثرت گرا" به درک مشارکت زنان در مزرعه رسیده و در پی تغییر ماهیت روابط زن و مرد در روستا به زنانه یا فمینیزه کردن فضای کشاورزی فکر می‌کند (Keller, 2014:79).



شکل ۲. مدل عمومی فضای جنسیتی کشاورزی در سکونتگاه های روستایی

۳- منطقه مورد مطالعه

بخش قوشخانه در استان خراسان شمالی واقع و از توابع شهرستان شیروان می‌باشد. بخش قوشخانه از شمال با جمهوری ترکمنستان و بجنورد و از جنوب با دهستان تکمران و از شرق با دهستان جیرستان بخش سرحد و از غرب با شهرستان بجنورد همجوار بوده و دارای ۲ دهستان به نام های قوشخانه بالا و قوشخانه پایین می‌باشد. وسعت بخش قوشخانه شیروان در حدود ۶۳۲ کیلومتر مربع می‌باشد و مرکز آن شهر ینگه قلعه علیا که در فاصله ۵۰ کیلومتری شهر شیروان واقع گردیده است. بخش قوشخانه دارای ۳۰ روستای دارای سکنه و ۱۱۱۲۵ نفر جمعیت است. مردم قوشخانه با لهجه های شیرین ترکی و کرمانجی صحبت می‌کنند. براساس مشاهدات میدانی و مطالعه نقشه های توپوگرافی و زمین شناسی، منطقه به ۳ تیپ واحد کوهستان، تپه ماهور و دشت و رودخانه تفکیک می‌گردد. بخش قابل ملاحظه ای از دهستان مورد مطالعه را واحد کوهستانی تشکیل داده است. واحد تپه ماهور نیز در مناطق پایکوهی و در بخش میانی و شمالی دهستان گسترش دارد. واحد رودخانه و دشت مشتمل بر پهنه های کم شیب قرار دارد. بخش کشاورزی مهمترین رکن اقتصادی بخش قوشخانه محسوب می‌شود. عمده ترین فعالیت های کشاورزی مرسوم در منطقه شامل زراعت،

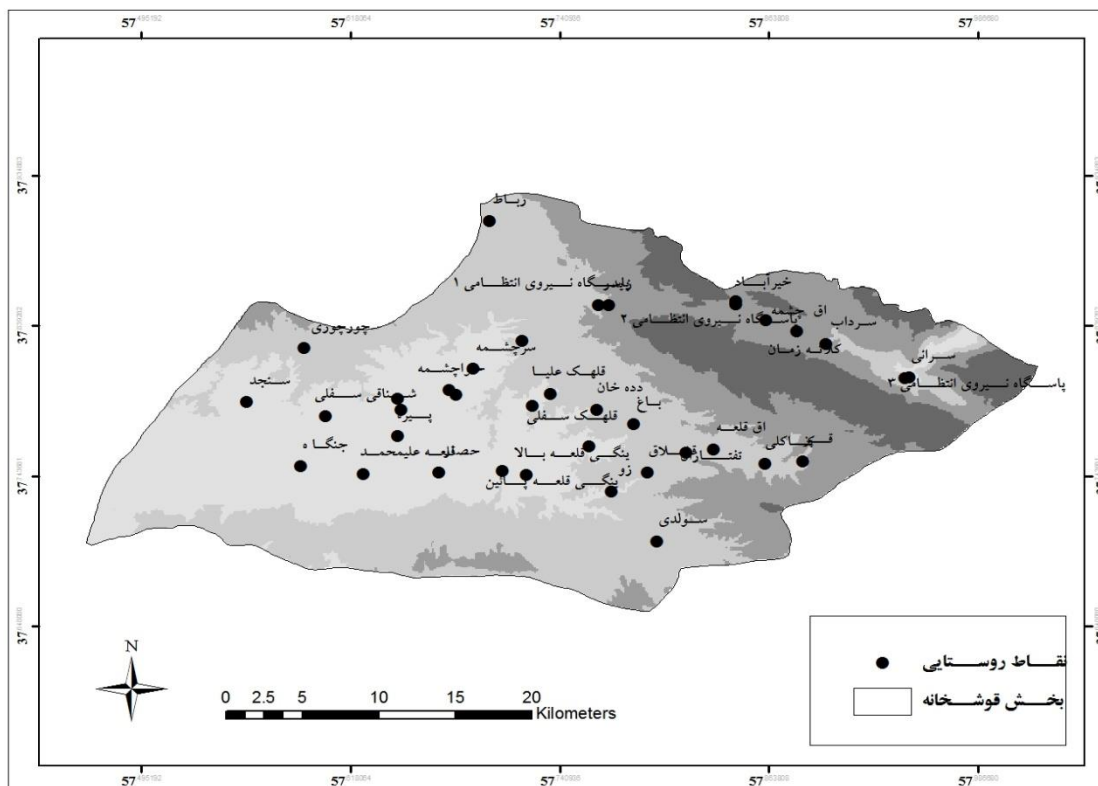
باغداری و دامداری است. عمده ترین نظام مالکیت اراضی در بخش قوشخانه نظام بهره برداری خرده مالکی می باشد که اکثرا به صورت بهره برداری خانوادگی دیده می شود. علاوه بر این نظام های مالکیتی دیگری مانند اجاره ای و بزرگ مالکی مشاع نیز در بخش دیده می شوند. وسعت بهره برداری ها، درجه تفرق یا تمرکز بهره برداری ها در بین روستاها یکسان نبوده و متاثر از شرایط اقلیمی و برخی عوامل دیگر هر یک از روستاهاست. همانطور که در بالا نیز به آن اشاره شد، هدف از مطالعه حاضر تشخیص بازنمایی های متفاوت هویت جنسیتی در ارتباط با تعدد روستابودگی و وجود اشکال مختلف محیط سکونتگاهی در مناطق روستایی است. مبتنی بر ادبیات تحقیق، فضای روستایی و رفتاری منطقه مورد مطالعه در سطح خرد منعکس کننده **مثلث سه گانه** فضای روستابودگی است و با تقسیم بندی فضای روستایی **هالفاکری** منطبق است

جدول ۱. مشخصات کلی منطقه مورد مطالعه (۱۳۹۰)

مساحت اراضی کشاورزی (هکتار)	جمعیت به تفکیک جنسیت		تعداد روستا	خانوار	جمعیت	مساحت (کیلومتر مربع)	دهستان	بخش	شهرستان
	مرد	زن							
۱۶۶۱۴	۳۰۰۰	۳۲۲۹	۱۹	۱۶۸۰	۶۲۲۹	۴۴۱	قوشخانه بالا	قوشخانه	شیروان
۱۱۴۰۰	۲۳۴۰	۲۵۵۶	۱۱	۱۲۹۰	۴۸۹۶	۳۶۲	قوشخانه پایین		
۲۸۰۱۴	۵۳۴۰	۵۷۸۵	۳۰	۲۹۷۰	۱۱۱۲۵	۸۰۳	مجموع		

منبع: مرکز آمار ایران و اداره جهاد کشاورزی



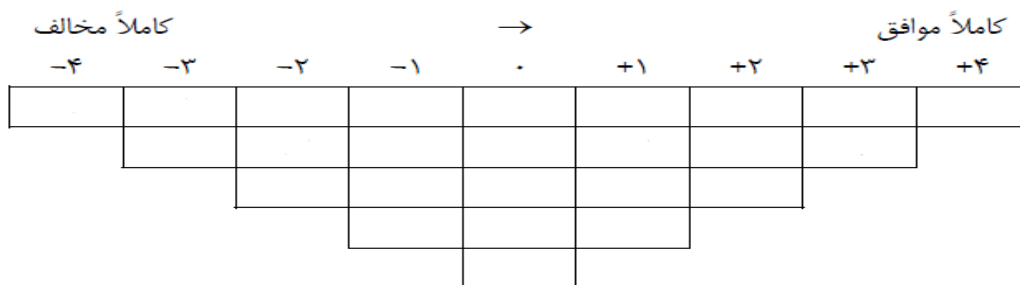


شکل ۳. نقشه منطقه مورد مطالعه

۴- مواد و روش

در این تحقیق از روش Q جهت بازنمایی تفاوت های جنسیتی در بخش کشاورزی روستاهای بخش قوشخانه استفاده شده است. این روش توسط ویلیام استفنسون در دهه ۱۹۳۰ میلادی اختراع شد و با گذشت بیش از ۸۰ سال، در قالب روش تحقیق علوم اجتماعی کمتر مورد استفاده قرار گرفته و شناخته شده نیست (Barry & Proops, 1999:338). روش Q می تواند به عنوان پایه و اساس علم ذهنی در نظر گرفته شود و هدف آن حذف پیش داوری و گرایش های اعمال شده توسط محقق و آزادی نمونه های مورد مطالعه در اظهار نظر درباره وضعیت خود می باشد (Davies & Hodge, 2007:325). این روش اغلب با تجزیه و تحلیل کمی همراه و بوسیله تحلیل عاملی صورت می گیرد. با این حال، استفنسون علاقه مند آشکارسازی ذهنیت افراد در هر وضعیت بود و روش Q را برخلاف خروجی کمی آن بیشتر با پیش زمینه فکری بررسی های کیفی طراحی کرده بود (Rajé, 2007:467). روش Q در پنج مرحله اجرا می گردد: (۱) شناسایی موارد مرتبط با موضوع جهت ارزیابی اظهار نظر شرکت کنندگان (محل اجماع) (۲) طراحی موارد مرتبط با موضوع جهت ارزیابی اظهار نظر شرکت کنندگان (ساخت مجموعه Q) (۳) مرتب سازی موارد مورد نظر توسط شرکت کنندگان در مقیاس "بیشترین موافقت" و "بیشترین مخالفت" در قالب شبکه (شکل ۴) (۴) تجزیه و تحلیل آماری (براساس آزمون مولفه های اصلی- تحلیل عاملی) و مرتب سازی اظهارات به

منظور تشخیص گفتمان غالب در میان پاسخ دهندگان و (۵) تفسیر نتایج شفاهی در رئوس مطالبی که با ویژگی های موجود در هر گفتمان مشخص شده است و مقبولیت و مخالفت پاسخ دهندگان را در ارتباط با آن نشان می دهد (Zografos, 2007: 40). بنابراین، در گام اول باید فضای گفتمان پژوهش جمع آوری شود؛ یعنی "مجموعه ای" از مطالب متنوع و گوناگون مرتبط با موضوع پژوهش که در میان اهالی (افرادی که مطالعه Q درصدد شناسایی ذهنیت آنان نسبت به موضوع پژوهش است). مبتنی بر سه گفتمان مطرح شده در ادبیات تحقیق ۵۰ عبارت جمع آوری شد که با انجام تغییرهای لازم برای روایی عبارت ها مانند حذف عبارت های مشابه و تکراری یا رفع ابهام آنها، تعداد ۳۱ عبارت به عنوان عبارت های نهایی نمونه Q در پژوهش حاضر انتخاب شد که در جدول شماره ۲ این عبارات مشخص شده اند. کد هر کدام از این عبارت های نمونه کیو در کارت های Q که محاسبه ها و تحلیل های بعدی براساس این کدها انجام می شود، در این جدول آمده است. به طور معمول، در روش Q انتخاب بین ۲۰ تا ۸۰ نمونه از افراد مورد بررسی برای دستیابی به دیدگاه های مختلف نسبت به یک موضوع کفایت می کند (پارسا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲). بنابراین انتخاب مشارکت کنندگان از طریق روش های نمونه گیری احتمالی انجام نمی شود بلکه نمونه افراد معمولاً به طور هدفمند و با اندازه ای کوچک انتخاب می شود که در پژوهش حاضر از تعداد ۹۰ نفر به عنوان مشارکت کنندگان پژوهش در سکونتگاه های روستایی انتخاب شدند. این انتخاب به کمک تلفیقی از نمونه گیری هدفمند و غیراحتمالی انجام شد. در مرحله بعد از مشارکت کنندگان خواسته شد تا براساس دستورالعمل مرتب سازی Q اقدام به قرار دادن هرکدام از کارت ها روی نمودار Q کنند. برای انجام این پژوهش از نمودار Q با توزیع شبه نرمال با توزیع اختیاری استفاده شده است به طوری که برای مثال مشارکت کنندگان در مورد هر عبارت Q می توانند هر نظری اعم از موافق یا مخالف داشته باشند یا درمورد آنها مردد باشند.



شکل ۴. شبکه مرتب سازی Q

این نمودار برای قرار دادن ۳۱ عبارت Q توسط مشارکت کنندگان از درجه ۴- که به معنای مخالفت کامل با عبارت مورد نظر است تا ۴+ که به معنای موافقت کامل با عبارت Q مدنظر است، تعبیه شده بود. پس از مرتب سازی کارت ها توسط مشارکت کنندگان پژوهش، نحوه امتیازدهی هرکدام از مشارکت کنندگان،



توسط فرم مخصوصی که برای این منظور طراحی شده بود، ثبت گردید. آلفای کروناخ برای این پژوهش ۰/۶۳۱ می باشد که بیانگر قابلیت اعتماد نسبت به عبارت های Q است.

۵- نتایج تحقیق

داده های مرتب سازی در سکونتگاه های روستایی در نرم افزار *PQ Method* وارد شد تا به کمک تحلیل عاملی Q ذهنیت مختلف ساکنین محلی شناسایی شود و به کمک آن به سوال اصلی تحقیق پاسخ داده شود. در این نرم افزار عامل ها به روش واریماکس که نوعی چرخش متعامد است، چرخش یافتند. جدول کل واریانس تبیین شده نشان می دهد، نرم افزار با توجه به دیدگاه روستاییان روی هم رفته سه عامل را شناسایی و این سه عامل در حدود ۵۶ درصد واریانس را پوشش می دهد که عوامل اول و دوم مهم تشخیص داده شده و قابلیت تطبیق با روستابودگی و تعدد فضای سکونتگاهی منطقه مورد مطالعه را دارا می باشند. همان طور که در جداول ۲ و ۳ مشاهده می شود، وضعیت عمومی منطقه نشان از غالبیت گفتمان مردسالار و تبعیت زن از مرد دارد. این درحالی است که شکل و فرم تقسیم کار اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه با توجه تنوع روستابودگی متفاوت می باشد. اظهارات متمایز بیانگر وجود گفتمان های متمایز در سکونتگاه های روستایی است که نیاز به تحلیل ترجیحات متنوع ساکنین محلی را اجتناب ناپذیر می سازد.

جدول ۲. عبارت های مرتب سازی Q و رتبه بندی آنها بوسیله امتیازات عاملی

کد	عبارت های نمونه	عامل ۱ گفتمان مردسالاری	عامل ۲ گفتمان مزارع خانوادگی
۱	کشاورزی شغلی است مردانه و زنان در پاره ای از موارد (مانند وجین کردن و...) در آن فعالیت داشته باشند.	۱/۱۳۲	۱/۱۷۸
۲	وظیفه اصلی زن کارخانگی (خانه داری، مراقبت از فرزندان و نگهداری دام) است، اما می تواند در کنار آن به فعالیت های کشاورزی هم بپردازد	۱/۱۷۹	۱/۳۰۴
۳	مرد در کنار کارهای کشاورزی می تواند در امور خانه و نگهداری دام و... کمک حال زن باشد.	۱/۲۵۰	-۰/۳۷۷
۴	مشارکت زن در کنار مرد در امور کشاورزی می تواند منافع زیادی را برای خانواده کسب کند.	۱/۱۵۵	۰/۲۲۳
۵	زنان روستایی بدون توجه به زرق و برق زندگی امروزی (زندگی به سبک شهر و راحت طلبی) به همسرانشان در امور کشاورزی کمک می کنند.	۰/۷۸۶	-۱/۹۶۷
۶	سختی کار کشاورزی برای مرد با کمک زن می تواند کاهش یابد.	۰/۹۲۷	۰/۲۰۴
۷	زن در کنار مرد می تواند در تعیین نوع محصول و فروش آن مشارکت داشته باشد.	-۱/۶۳۱	۱/۵۱۱
۸	مشارکت در امور کشاورزی برای زن لذت بخش است.	-۰/۷۷۱	-۱/۲۴۹
۹	زن در نبود مرد (مهاجرت فصلی به شهر به منظور کار) می تواند امور کشاورزی را بدست بگیرد و مزرعه	۰/۷۳۱	-۰/۴۰۷



		را اداره کند.	
۱/۰۴۰	-۰/۵۱۴	کشاورزی شغلی است مردانه و زن نباید در آن دخالتی داشته باشد.	۱۰
-۰/۱۹۷	۰/۲۱۶	این مردان هستند که تصمیم می‌گیرند و زنان چاره‌ای جز اطاعت ندارند.	۱۱
۰/۴۱۲	۰/۳۰۸	زن از لحاظ فیزیکی و قوای جسمانی برای انجام فعالیت کشاورزی ساخته نشده است.	۱۲
۱/۳۷۰	۰/۰۳۴	زن باید به کارخانگی، به ویژه خانه‌داری و مراقبت از کودکان بپردازد.	۱۳
۰/۷۴۱	۰/۴۰۳	کشاورزی فعالیتی سنگین و طاقت فرساست و برای سلامتی زن مضر است.	۱۴
-۰/۰۸۱	-۲/۲۱۹	مرد اجازه نمی‌دهد زن در کارهای کشاورزی شرکت کند و تاکید دارد که وظیفه زن باید رسیدگی به امور خانه باشد.	۱۵
۰/۴۷۰	-۰/۸۳۸	زن از پس کارهایی چون آبیاری و کشت محصول بر نمی‌آیند.	۱۶
۰/۴۰۳	-۰/۴۸۷	نبايد انتظار داشت مرد هم بیرون از خانه و هم در خانه کار کند.	۱۷
۰/۳۰۸	۰/۵۳۲	مالکیت زمین کشاورزی باید از آن مرد باشد.	۱۸
-۰/۸۳۳	-۰/۳۴۵	مردان صلاح خانواده را بهتر تشخیص می‌دهند.	۱۹
۱/۲۰۳	-۰/۸۶۴	زنان باید به کار در خارج مزرعه نظیر (خیاطی، آرایشگری، صنایع دستی و...) بپردازند.	۲۰
-۰/۳۸۲	۰/۲۹۰	سطح سواد زن به جایی نرسیده است که به امور کشاورزی بپردازد و مهارت بکارگیری از ماشین آلات و ادوات کشاورزی را ندارد.	۲۱
۰/۴۱۳	۰/۷۰۴	زن توانایی این را دارد تا به تنهایی امور کشاورزی را مدیریت کند.	۲۲
-۰/۵۴۸	-۰/۷۹۱	زن توانایی و مهارت این را دارد از ماشین آلات و ادوات کشاورزی استفاده کند.	۲۳
-۱/۱۸۸	۰/۷۷۶	زنان از منابع بانکی و تسهیلات وام در امور کشاورزی استفاده می‌کنند.	۲۴
-۱/۹۳۵	-۱/۴۸۷	زنان روستایی حضور فعال در کلاس های ترویجی و آموزشی کشاورزی دارند.	۲۵
-۰/۱۲۶	۰/۹۱۱	زنان در تهیه نهاده های کشاورزی مشارکت دارد.	۲۶
-۰/۳۴۳	۰/۹۲۹	زنان تمامی مراحل کاشت، آبیاری و برداشت کشاورزی را به عهده گرفته اند.	۲۷
۱/۵۲۳	-۱/۸۶۶	فروش محصولات کشاورزی به عهده زن می باشد.	۲۸
-۱/۴۵۳	-۱/۱۸۲	زنان برای حل مشکلات کشاورزی بطور مداوم با ادارات و سازمان های دولتی در ارتباط اند.	۲۹
-۱/۳۹۸	-۰/۲۳۵	زنان برای تهیه لوازم مورد نیاز کشاورزی به مراکز شهری رفت و آمد می کنند.	۳۰
۰/۲۲۹	۰/۹۷۱	دخل و خرج خانواده به عهده زن می باشد.	۳۱

۵-۱- موقعیت های فضای روستایی و هویت جنسیتی در بخش کشاورزی

این چشم انداز از فضای روستایی بازنمایی های متفاوتی از هویت جنسیتی و تقسیم کار اجتماعی را در خود جای داده است. در فضای روستایی دشتی که کشاورزی رونق دارد و شرایط برای ارتقای این بخش فراهم است؛ گفتمان مردسالاری تسلط دارد (گفتمان مردسالاری ۶۰ درصد از پاسخ ها را به خود اختصاص داده است) و تبعیت زن از مرد در تقسیم کار اجتماعی مشهود می باشد. استقرار بهره برداری های بزرگ مقیاس و استفاده از ماشین آلات و ادوات کشاورزی به ترویج روحیه مردسالاری کمک نموده و زنان روستایی را به عنوان همسر کشاورز محدود به فعالیت های خانگی و کارهای خارج از مزارع نموده است. درواقع، زنان روستایی تنها در پاره ای از موارد می توانند در



فعالیت های کشاورزی دخالت داشته باشند و ماهیت کارهای اعطایی سبک و بصورت مقطعی است که حضور دائم زنان را در این بخش نقض می کند. در سکونتگاه های تپه ای و پایکوهی شاهد تعادل در تقسیم کار کشاورزی بین مردان و زنان روستایی هستیم (گفتمان مزارع خانوادگی ۵۳ درصد از پاسخ ها را به خود اختصاص داده است) و با اینکه که تسلط مردسالاری نیز دیده می شود اما زنان روستایی نیز در بیشتر مواقع در مزرعه حضور داشته و در برخی از موارد مسئولیت های دائمی را عهده دار هستند به گونه ای که تداعی گر تقسیم کار در مزارع خانوادگی و تفکر پدرسالارانه است. در واقع، زنان روستایی ضمن انجام کارهای خانه مسئولیت هایی نیز در زمین های کشاورزی دارند. در مناطق کوهستانی اگرچه ساختار اصلی مزارع در قالب بهره برداری های خانوادگی است (گفتمان مزارع خانوادگی ۶۶ از پاسخ ها را به خود اختصاص داده است) و مردان و زنان در کنار هم به امور کشاورزی می پردازند، ولی حضور مردان در مزرعه صرفا محدود به برداشت و فروش محصولات شده است و زنان روستایی عهده دار تمامی مسئولیت های کشاورزی می باشند. در واقع، کوچک بودن مقیاس و محدودیت های طبیعی کشاورزی را به شغلی کم درآمد تبدیل نموده است و مردان را مجبور به انجام کارهای غیرکشاورزی در خارج از روستا و در مناطق شهری کرده است و در این میان زنان روستایی جهت کمک به خانواده و جلوگیری از بلااستفاده ماندن زمین های زراعی به تنهایی مدیریت مزارع و اراضی باغی را بر دوش گرفته اند. سرپرستی فرزندان و دخل و خرج خانواده در این نوع از بهره برداری ها به عهده زنان روستایی است، درحالی که مردان روستایی نیز به تمامی امور زندگی نظارت کامل دارند.

جدول ۳. سکونتگاه های روستایی مشارکت کننده و اعداد استخراجی برای هر یک از عوامل: طیف Q و ضرایب

Z-score

کد	عبارت های نمونه	عامل ۱	عامل ۲
۱	اق قلعه	۰(-۰/۴۰۲)	۰(-۰/۲۵۸)
۲	امیرخان	۰(۰/۰۶۶)	-۱(-۱/۹۶۲)
۳	باغ	-۱(-۰/۶۴۷)	۱(۱/۳۳۶)
۴	تفتازان	۱(-۰/۰۲۳)	-۱(۰/۰۳۴)
۵	حصار	۰(۰/۰۲۲)	۱(۱/۴۱۸)
۶	خیرآباد	-۱(-۰/۹۷۵)	۰(-۰/۳۸۷)
۷	دده خان	۱(۰/۱۰۴)	-۱(-۱/۴۲۳)
۸	زو	۰(-۰/۲۰۳)	۰(-۱/۴۸۶)
۹	زیدر	-۱(-۱/۰۰۲)	۰(۰/۴۶۸)
۱۰	سرانی	-۲(-۲/۰۳۳)	۰(۲/۳۱۷)
۱۱	سرداب	-۲(-۱/۹۹۶)	-۱(-۰/۹۲۴)
۱۲	سولدی	۳(۲/۲۴۵)	۰(۰/۲۲۷)
۱۳	قپز	۰(-۰/۷۰۰)	۱(۰/۰۵۵)
۱۴	قلهک سفلی	۱(۱/۶۸۹)	۰(۱/۳۰۷)
۱۵	قلهک علیا	۱(۰/۶۴۶)	-۱(-۰/۹۱۷)
۱۶	کاکلی	۱(۱/۲۲۱)	۰(-۰/۸۳۴)



۰(۰/۴۶۸)	۰(۰/۴۳۰)	کلاته زمان	۱۷
۱(۰/۴۸۸)	۱(۱/۰۵۹)	نگی قلعه بالا	۱۸
۰(۱/۰۴۹)	۲(۱/۲۳۱)	بنگی قلعه پائین	۱۹
۰(۰/۰۴۹)	۰(۰/۱۷۴)	برزلان سفلی	۲۰
۰(۰/۳۰۲)	۰(۰/۳۹۰)	برزلان علیا	۲۱
-۱(۰/۰۵۳)	۰(۰/۰۱۸)	پیره	۲۲
۰(۰/۷۵۱)	۱(۰/۴۲۰)	جنگاه	۲۳
۰(۰/۵۰۹)	۰(۰/۵۶۵)	چورچوری	۲۴
۰(۰/۴۷۳)	۰(۰/۰۵۶)	حلواچشمه	۲۵
(۱/۱۴۷)	۱(۰/۳۲۸)	رباط	۲۶
۰(۰/۱۱۱)	۰(۰/۳۸۸)	سنجد	۲۷
۰(۰/۹۳۵)	۰(۰/۶۴۷)	شناقی سفلی	۲۸
۰(۰/۸۰۳)	۰(۰/۱۵۰)	شناقی علیا	۲۹
۰(۰/۱۰۳)	۰(۰/۵۸۰)	قلعه علیمحمد	۳۰

۵-۲- بازنمودهای صوری فضای روستایی و هویت جنسیتی در بخش کشاورزی

تقسیم کاربری اراضی در این چشم انداز از فضای روستایی بازنمایی های متفاوتی از هویت های جنسیتی را در بخش کشاورزی به نمایش گذاشته است که بیانگر جدایی قلمرو خدماتی دولت و بدنه اجتماعی است. در واقع، دولت مدرن با تفکر سرمایه داری به برنامه ریزی برای نهادینه شدن کشاورزی بزرگ مقیاس گرایش دارد و بهره برداری خرده مالکی را ناکارا و سنتی می داند. هویت غالب در سکونتگاه های روستایی دارای کشاورزی بزرگ مقیاس گفتمان مردسالاری می باشد (گفتمان مردسالاری ۵۷ درصد از پاسخ ها را به خود اختصاص داده است) و نفوذ نظام سرمایه داری و تمایل به کشاورزی تجاری تقسیم کار سنتی را بهم زده و محیط کار کشاورزی را صرفا متعلق به مردان روستایی نموده است. در تقسیم کار سنتی زن همراه با خانه داری و تربیت فرزندان به امور نگهداری از دام و طیور رسیدگی می کرد و در برخی از موارد هرچند ناچیز در زمین کشاورزی حضور داشت. با ورود تکنولوژی جدید و تجاری شدن کشاورزی برنامه ریزی بطوری بود که ایدئولوژی مردانه بودن فعالیت کشاورزی باید حاکم می شد و نقش زنان در حاشیه قرار گیرد. در بهره بر داری های دهقانی و خرده مالک گفتمان غالب به سمت فعالیت مشترک مرد و زن در بخش کشاورزی (گفتمان مزارع خانوادگی ۶۰ درصد از پاسخ ها را به خود اختصاص داده است) چربش دارد. سکونتگاه های روستایی دارای بهره برداری خرده مالکی بوسیله جریان نوسازی و نفوذ نظام سرمایه داری از گود خارج شده اند و تنها به واسطه دوری از مراکز جمعیتی و وابستگی برخی از ساکنین به کشاورزی و برخی دیگر به طبیعت پابرجا مانده اند. همانطور که در موقعیت های فضای روستایی نیز اشاره شد در خرده مالکی تپه ای مرد و زن در کنار هم و در قالب مزارع خانوادگی از بخش کشاورزی ارتزاق می کنند و در خرده مالکی کوهستانی زنان عهده دار مسئولیت های کشاورزی هستند و مردان به علت ناچیز بودن درآمد به فعالیت های غیرکشاورزی و کار در شهر روی آورده است.



۵-۳- زندگی های روزمره روستایی و هویت جنسیتی در بخش کشاورزی

این چشم انداز از فضای روستایی بیش از هویت مکانی بسته به منافع فردی و محدودیت های روزمره زندگی است. درواقع، این نوع از روستابودگی بر علیه نظم مسلط در فضاست و خلاف روال معمول عمل می کند و حاوی ترجیحات ذهنی متنوعی است که بر گرایشات رادیکالی برخی از سکونتگاه های روستایی صحنه می گذارد. بر همین اساس، ما شاهد بازنمایی های متفاوت از هویت جنسیتی در سکونتگاه های روستایی بخش قوشخانه هستیم که گویای ویژگی های مکانی منطقه نبوده و فارغ از هرگونه سازوکارهای برنامه ریزی دولتی می باشد و نتایج منحصر به فردی از تقسیم کار کشاورزی را به نمایش گذاشته است. نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی Q توزیع چندگانگی سکونتگاه های روستایی در بازنمایی های هویت جنسیتی را خارج از تعلقات مکانی و ذهنیت برنامه ریزی دولتی در دو عامل نشان می دهد و بیانگر ایجاد فضاهای روستای علیه نظام مسلط و انعکاسی از ترجیحات متفاوت ساکنین محلی در ارتباط با هویت زن در بخش کشاورزی است.

جدول ۴. توزیع سکونتگاه های روستایی در بازنمایی های هویت جنسیتی عامل های دوگانه

عامل	سکونتگاه های روستایی
عامل (۱) گفتمان مردسالاری	آق قلعه (تپه ماهور، خرده مالک)، تفتازان (تپه ماهور، خرده مالک)، خیرآباد (کوهستانی، خرده مالک)، دده خان (تپه ماهور، خرده مالک)، زو (کوهستانی، خرده مالک)، زیدر (تپه ماهور، بزرگ مالک)، سرانی (کوهستانی، خرده مالک)، سرداب (کوهستانی، خرده مالک)، قیز (کوهستانی، خرده مالک)، قلهک علیا (دشتی، بزرگ مالک)، کلاته زمان (کوهستانی، خرده مالک)، برزلان سفلی (تپه ماهور، خرده مالک)، پیره (تپه ماهور، خرده مالک)، جنگاه (دشتی، بزرگ مالک)، چورچوری (تپه ماهور، خرده مالک)، حلواچشمه (تپه ماهور، خرده مالک)، رباط (دشتی، بزرگ مالک)، سنجد (دشتی، بزرگ مالک)، قلعه محمد (تپه ماهور، خرده مالک).
عامل (۲) گفتمان مزارع خانوادگی	امیرخان (تپه ماهور، خرده مالک)، باغ (تپه ماهور، خرده مالک)، حصار (دشتی، بزرگ مالک)، سولدی (دشتی، بزرگ مالک)، قلهک سفلی (دشتی، بزرگ مالک)، کاکلی (کوهستانی، خرده مالک)، ینگلی قلعه بالا (دشتی، بزرگ مالک)، ینگلی قلعه پایین (دشتی، بزرگ مالک)، برزلان علیا (تپه ماهور، خرده مالک)، شناقی سفلی (تپه ماهور، خرده مالک)، شناقی علیا (تپه ماهور، خرده مالک).

۵-۴- مقایسه میانگین های ارکان فضای سه گانه روستابودگی و هویت های متفاوت جنسیتی در بخش

کشاورزی

مقایسه میانگین های عناصر روستابودگی گواهی بر چندگانگی سکونتگاه های روستایی و بازنمایی های متفاوت جنسیتی در بخش کشاورزی است. نتایج بدست آمده از آزمون تحلیل واریانس در روستابودگی موقعیت های فضای روستا نشان از تفاوت روستاهای واقع در نواحی دشتی و سکونتگاه های روستایی کوهستانی با ضریب $1/62$ و سطح معناداری $0/000$ در بازنمایی هویت های جنسیتی در گفتمان مردسالاری دارد. ضمن اینکه، این آزمون در گفتمان مزارع خانوادگی نیز تفاوت بین سکونتگاه های روستایی دشتی و کوهستانی را در تقسیم کار جنسیتی با ضریب $2/03$ و سطح معناداری $0/018$ را تایید می نماید. نتایج بدست آمده آزمون t مستقل در روستابودگی بازمودهای صوری



فضای روستا بیانگر تفاوت سکونتگاه های دارای بهره برداری بزرگ مالک و روستاهای دهقانی با ضریب ۱/۶۶ و سطح معناداری ۰/۰۰۳ در گفتمان مردسالاری است. ضمن اینکه، همین آزمون در گفتمان مزارع خانوادگی نیز به تفاوت این دو بهره برداری در سکونتگاه های روستایی منطقه با ضریب ۱/۸۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۹ اشاره دارد. در نهایت، آزمون تحلیل عاملی در بالا بر توزیع متفاوت سکونتگاه های روستایی در گفتمان مردسالاری و مزارع خانوادگی در چارچوب روستابودگی زندگی های روزمره فضایی روستایی فارغ از ویژگی های مکانی و مداخلات تکنوکراتیک دولت و مبتنی بر منافع و محدودیت های زندگی روزمره ساکنین محلی صحنه گذاشت.

جدول ۵. مقایسه میانگین های ارکان روستابودگی موقعیت های فضایی روستا و هویت های جنسیتی با آزمون تحلیل واریانس

گفتمان	شاخص ۱	شاخص ۲	تفاوت میانگین	سطح معناداری	
				سطح	سطح اطمینان ۹۵٪
مردسالاری	۱	۲	-۰/۵۴۴	۰/۱۵۷	بیشینه ۰/۲۲۲
	۳		-۱/۶۲۲	۰/۰۰۰	کمینه -۱/۳۱۲
	۲	۱	۰/۵۴۴	۰/۱۵۷	۱/۳۱۲
	۳		-۱/۰۷۷	۰/۰۰۴	-۰/۳۶۸
	۳	۱	۱/۶۲۲	۰/۰۰۰	۲/۴۵۷
	۲		۱/۰۷۷	۰/۰۰۴	۱/۷۸۵
مزارع خانوادگی	۱	۲	-۰/۶۷۱	۰/۱۸۱	۱/۲۵۸
	۳		-۱/۸۷	۰/۰۱۲	۰/۶۰۷
	۲	۱	۰/۶۷۱	۰/۱۸۱	۰/۶۰۷
	۳		-۱/۲۸	۰/۰۱۸	۰/۱۲۷
	۳	۱	۲/۰۳	۰/۰۱۲	۱/۴۲۳
	۲		۱/۲۸	۰/۰۱۸	۱/۵۹۴

جدول ۶. مقایسه میانگین های ارکان روستابودگی بازنمودهای صوری روستا و هویت های جنسیتی با آزمون t مستقل

F	t	df	سطح معناداری	میانگین تفاوت	سطح اطمینان ۹۵٪	
					کمینه	بیشینه
۱/۶۶	۳/۲۰۲	۲۸	۰/۰۰۳	۱/۱۱۰	۰/۴۰۰	۱/۸۲۱
	۲/۷۷۵	۱۱/۵۱۵	۰/۰۱۷	۱/۱۱۰	۰/۲۳۴	۱/۹۸۷
۱/۸۳	۳/۴۰۷	۲۸	۰/۰۰۹	۱/۵۶۱	-۰/۲۹۵	۱/۳۱۸
	۲/۸۹۱	۱۲/۹۳۰	۰/۰۲۱	۱/۵۶۱	-۲/۲۲۳	۱/۲۴۶

۶- نتیجه گیری

بطورکلی، در سایه لحاظ کردن مفهوم روستابودگی در مطالعات روستایی تفکر غالب هویت جنسیتی متمرکز بر گفتمان مردسالاری و تبعیت زن از مرد در جوامع محلی کمرنگ و سیالیت و انعطاف پذیری تقسیم کار جنسیتی (نابرابری/پویایی) در سکونتگاه های روستایی مشهود می گردد. مقاله حاضر بوسیله مفهوم روستابودگی به سازوکار ادغام چشم اندازهای اجتماعی و فرهنگی دست یافته و با حذف جهت گیری های مطلق و بیچاندن نسخه



ای مشترک، موضوع تقسیم کار جنسیتی را با جغرافیای منطقه گره زده و با فضای متداخل همزیستی های جمعی و یا ماهیت های خرد و تعدد زندگی روزمره و نمایش های متنوع اخلاقی در تجزیه و تحلیل هویت های جنسیتی در بخش کشاورزی مواجه شده است. مقصود در اینجا نشان دادن فضایی است که به صورت کلافی سردرگم و متداخل جلوه گر شده و جریان های مختلفی از ماهیت های مکانی، تجربیات زندگی روزمره و اخلاقی در خود جای داده و بازنمایی های متفاوتی از هویت جنسیتی را در بخش کشاورزی به همراه داشته است. این فضا همواره خاصیت تغییرپذیری در گذر زمان را دارد و علاوه بر ساکنین محلی می تواند تحت تاثیر سازوکارهای خارج از منطقه نیز قرار گیرد. نتایج بدست آمده از منطقه مورد مطالعه نشان می دهد که ماهیت غالب جنسیتی در بخش کشاورزی گفتمان مردسالاری است اما در چارچوب روستابودگی به صورت بازنمایی های متفاوتی انعکاس یافته و تقسیم کار کشاورزی مشترک و در برخی نقاط تاحدودی زن سالار را بوجود آورده است. وجود طیف گسترده ای از روستابودگی در این منطقه فضای پیچیده ای از هویت های عملکردی و چشم اندازی را عرضه داشته و گفتمان های اخلاقی متعددی را در ارتباط با چیستی اشتغال زنان و مردان روستایی باعث شده است. این امکان وجود دارد که درباره سه فضای اجتماعی و فرهنگی با طرح گفتمانی و پیچیدگی های مختلف در هر مورد و بازنمایی های متفاوت جنسیتی در سکونتگاه های روستایی بخش قوشخانه بحث شود. اولین فضا با ویژگی های موقعیتی سکونتگاه های روستایی مرتبط است و خصوصیات مکانی منطقه را شامل می شود. در این چشم انداز، استقرار در موقعیت های جغرافیایی خاص روابط اجتماعی منحصر به فردی را به وجود می آورد و هویت های عملکردی جنسیتی منحصر به فردی را ایجاد می کند. در روستاهای واقع در مناطق روستایی به علت محدودیت های طبیعی و کوچکی زمین، بخش کشاورزی در اختیار زنان روستایی بوده و مردان به فعالیت های غیر کشاورزی در بخصوص مشاغل شهری اشتغال دارند. در سکونتگاه های روستایی تپه ماهور بیشتر فعالیت مشترک زن و مرد در زمین دیده می شود و زن در کنار مرد و در قالب مزارع خانوادگی به اشتغال کشاورزی مشغول است. روحیه مردسالاری در مناطق دشتی به علت وجود بهره برداری های بزرگ مقیاس و مکانیزه در بخش کشاورزی مشهود است و زنان روستایی در کارهای مزرعه دخالت چندانی ندارند. دومین فضا به علایق دولت در برنامه ریزی روستاها و به جریان های تکنوکراتیک که از خارج از منطقه بوسیله برنامه ریزان دولتی به بخش کشاورزی تزریق می شود، اشاره دارد. دولت در پی کشاورزی مدرن و بهره برداری های بزرگ مقیاس است؛ لذا به روستاهایی اهمیت می دهد که این قابلیت نهادینه کردن این هدف را دارند. به همین منظور، بهره برداری های بزرگ مالکی در معرض برنامه های تجاری سازی دولت قرار می گیرد و به سمت کشاورزی مکانیزه سوق داده می شود. با ورود تکنولوژی های جدید محیط کار کشاورزی بیشتر مردانه می گردد و زنان به حاشیه رانده می شوند. در مقابل در بهره برداری های خرده مالکی که خارج از فضای دولتی قرار دارند سازوکارهای عرفی حاکم است که در برخی موارد زنان در کنار مردان مشغول به فعالیت هستند و در دیگر موارد زنان به تنهایی عهده دار مسئولیت کشاورزی شده اند. سومین فضا فارغ از چشم انداز های مکانی و دولتی به تجربیات زندگی روزمره افراد اشاره دارد. در این فضا از روستابودگی منطقه مورد مطالعه سکونتگاه های روستایی در مواضع متفاوت/مشابه قرار دارند و ترجیحات متنوعی را در ارتباط با هویت جنسیتی عرضه می دارند. در مجموع، می توان انواعی مختلفی از روستابودگی فضای روستایی را در بخش قوشخانه شهرستان شیروان مشاهده کرد که هر یک نتایج



منحصر به فردی از هویت های جنسیتی را در بخش کشاورزی ایجاد نموده اند. بنابراین، در پژوهش های جنسیتی در سکونتگاه های روستایی باید رویکرد جامع در پیش گرفت و باهم کنشی چشم اندازهای اجتماعی و فرهنگی را در نظر گرفت. از این رو مثلث سه گانه فضای روستایی هالفاکری با عناصر موقعیت های فضایی، مادیت فضایی و سازه های سیاسی و در نهایت زندگی اخلاقی و روزمره ساکنین محلی می تواند چارچوب مناسبی را برای تشخیص تفاوت های جنسیتی و تقسیم کار کشاورزی در جوامع محلی فراهم سازد و مطالعات و سیاستگذاری های روستایی را به سمت واقع گرایی و ویژگی های جغرافیایی منطقه هدایت کند.

منابع و ماخذ

۱. احمدی شاپورآبادی، محمد علی و امیر مظفر امینی (۱۳۸۶)، اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار - میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آنها، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال ششم، شماره ۱۳، ص ۶۵-۹۲.
۲. پارسا، سمیرا، حاجی حیدری، نسترن و ابراهیم عباسی (۱۳۹۱)، شناسایی و بررسی مسائل و مشکلات معماری سازمانی در شرکت‌های منتخب ایرانی: پژوهشی ترکیبی، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت فناوری اطلاعات، سال چهارم، شماره ۱۳، ص ۱-۲۴.
۳. جوان، جعفر، دلیل، سعید و محمد سلمانی مقدم (۱۳۹۲)، دیالکتیک فضای لوفور، نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۱-۱۷.
۴. کاظم زاده، حامد (۱۳۸۸)، مدرنیسم و تحول فرهنگی روستا، روزنامه شهروند، بخش فرهنگ، ص ۹.
۵. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۴)، نقش زنان در اقتصاد روستایی ایران، فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، سال یازدهم، شماره های ۱۲ و ۱۳، ص ۴۳-۶۳.
6. Barry, J., & Proops, J. (1999). Seeking sustainability discourses with Q methodology. *Ecological Economics*, 28(3), 337-345.
7. Behera, B. S., & Behera, A. C. (2013). Gender Issues: the Role of Women in Agriculture Sector in India. *International Journal Of Marketing, Financial Services & Management Research*, 2(9), 134-145.
8. Brandth, B. (2002). Gender identity in European family farming: A literature review. *Sociologia Ruralis*, 42(3), 181-200.
9. Bryant, L. (1999). The detraditionalization of occupational identities in farming in South Australia. *Sociologia Ruralis*, 39(2), 236-261.
10. Chiappini, S., & De Rosa, M. (2011). Consuming rural development policies: are there gender differences in Italian agriculture?. *Agricultural Economics Review*, 12(1), 56-68.
11. Davies, B. B., & Hodge, I. D. (2007). Exploring environmental perspectives in lowland agriculture: AQ methodology study in East Anglia, UK. *Ecological economics*, 61(2), 323-333.
12. Forsberg, G., & Stenbacka, S. (2013). Mapping Gendered Ruralities. *European Countryside*, 5(1), 1-20.
13. Halfacree, K. (2007). Trial by space for a 'radical rural': Introducing alternative localities, representations and lives. *Journal of Rural Studies*, 23(2), 125-141.
14. Heley, J., & Jones, L. (2012). Relational rurals: some thoughts on relating things and theory in rural studies. *Journal of rural studies*, 28(3), 208-217.
15. KELLER, J. C. (2014). "I WANNA HAVE MY OWN DAMN DAIRY FARM!": WOMEN FARMERS, LEGIBILITY, AND FEMININITIES IN RURAL WISCONSIN, US. *Journal of Rural Social Sciences*, 29(1), 75-102.



16. Little, J., & Panelli, R. (2003). *Gender research in rural geography*. *Gender, Place and Culture: A Journal of Feminist Geography*, 10(3), 281-289.
17. López-i-Gelats, F., Tàbara, J. D., & Bartolomé, J. (2009). *The rural in dispute: Discourses of rurality in the Pyrenees*. *Geoforum*, 40(4), 602-612.
18. Meijering, L., van Hoven, B., & Huigen, P. (2007). *Constructing ruralities: The case of the Hobbitstee, Netherlands*. *Journal of Rural Studies*, 23(3), 357-366.
19. Osterud, N. G. (1993). *Gender and the transition to capitalism in rural America*. *Agricultural History*, 14-29.
20. Paniagua, A. (2014). *Rurality, identity and morality in remote rural areas in northern Spain*. *Journal of Rural Studies*, 35, 49-58.
21. Rajé, F. (2007). *Using Q methodology to develop more perceptive insights on transport and social inclusion*. *Transport policy*, 14(6), 467-477.
22. Svendsen, G. L. H. (2004). *The right to development: construction of a non-agriculturalist discourse of rurality in Denmark*. *Journal of Rural Studies*, 20(1), 79-94.
23. Symes, D. (1991). *Changing gender roles in productionist and post-productionist capitalist agriculture*. *Journal of Rural Studies*, 7(1), 85-90.
24. Trauger, A., Sachs, C., Barbercheck, M., Kiernan, N. E., Brasier, K., & Findeis, J. (2008). *Agricultural education: Gender identity and knowledge exchange*. *Journal of Rural Studies*, 24(4), 432-439.
25. Tsheola, J. (2014). *Paradoxes of Gendered Rurality, Women's Non-Economic Constructions, Disempowerment and State Capitalism in South Africa*. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 3(1), 315.
26. UN WOMEN(2000), *Women2000 and Beyond: Rural women in a changing world: Opportunities and challenges*, Commission on the Status of Women, the Fourth World Conference on Women in Beijing (decision 41/101).
27. Zografos, C. (2007). *Rurality discourses and the role of the social enterprise in regenerating rural Scotland*. *Journal of Rural Studies*, 23(1), 38-51.

The multiplicity of the rurality and different representations of gender identity in the agricultural sector (case study villages in the Gooshkhaneh district, Shirvan County)

Abstract

Today, the dominant idea of gender identity in the agricultural sector of the village is focused on the patriarchal discourse. However, the identities of different gender (inequality / dynamics) is also evident in some of the rural women working alongside men, and in other, cases alone are responsible farm management. Based on the argument that each had its own logic rural settlements and Network of actors and institutions in a particular place; inevitably try to understand different representations of gender identity confusion on the subject of the settlement and its associated rurality. Therefore, the purpose of the present study supported the hypothesis of different representations of gender identity in the shadow of rurality this underlines the multiplicity environment of rural settlements Ghooshkhaneh district in the Shirvan county. Therefore, diversification of rural space and the discourse of gender identified through dialogue with the local population and conducted semi-structured interviews (Q methodology) were determined. Results of the study area shows, although the nature of the dominant patriarchal discourse of gender in agriculture, but in a different representation, rurality be reflected and and division of the common agricultural labor (men and women together) and in some areas it has created somewhat feminine.